



گفتارهای

مِنْصُورِ هَاشِمِی خراسانی

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى

موضوع:

اخلاق، ادعیه و زیارات

بسم الله الرحمن الرحيم

دعایی از آن جناب که به جوانی سرگشته و جویای هدایت تعلیم فرمود.

أَخْبَرَنَا أَبُو إِبْرَاهِيمَ السَّمَرَقَنْدِيُّ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ الْمَنْصُورِ الْهَاشِمِيِّ الْخُرَاسَانِيِّ، فَدَخَلَ مَسْجِدًا لِيُصَلِّيَ فِيهِ، فَرَأَى شَابًّا يَبْكِي فِي زَاوِيَةٍ وَتَحْرِي دُمُوعُهُ عَلَى خَدَّيْهِ، فَوَقَفَ عَلَيْهِ وَقَالَ: مَا يُبْكِيكَ يَا عَبْدَ اللَّهِ؟! إِنْ كُنْتَ تَبْكِي عَلَى الدُّنْيَا فَإِنَّهَا ذَاهِبَةٌ، تَبْكِي أَوْ لَا تَبْكِي، وَإِنْ كُنْتَ تَبْكِي لِلْآخِرَةِ فَإِنَّهَا آتِيَةٌ، تَبْكِي أَوْ لَا تَبْكِي! قَالَ الشَّابُّ: إِنَّمَا أَبْكِي لِحَيْرَتِي فِي الدِّينِ! قَدْ رُفِعَتْ رَايَاتٌ وَلَا أَذْرِي أَيًّا مِنْ أَيٍّ، فَأَخَافُ أَنْ أَجِدَ حَقًّا أَوْ أَصْدَقَ بَاطِلًا، فَأَكُونُ مِنَ الضَّالِّينَ! قَالَ الْمَنْصُورُ: ﴿إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَرَادَ﴾، فَمَا يَمْنَعُكَ مِنْ دُعَاءِ الْمُنِيبِينَ؟ قَالَ: وَمَا دُعَاءُ الْمُنِيبِينَ؟ قَالَ: قُلْ عَقِبَ كُلِّ صَلَاةٍ:

«اللَّهُمَّ اسْلُكْ بِي الطَّرِيقَةَ الْمُنْتَلَى، وَاجْعَلْنِي عَلَى مِلَّتِكَ أَمُوتُ وَأَحْيَا، وَوَقِّفْنِي إِذَا اشْتَكَتْ عَلَيَّ الْأُمُورُ لِأَهْدَاها، وَإِذَا تَشَابَهَتْ الْأَعْمَالُ لِأَرْكَاهَا، وَإِذَا تَنَاقَضَتْ الْمِلَلُ لِأَرْضَاهَا، وَصَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَرِنِي الْحَقَّ حَقًّا فَاتَّبِعُهُ، وَالْبَاطِلَ بَاطِلًا فَاجْتَنِبْهُ، وَلَا تَجْعَلْهُ عَلَيَّ مُتَشَابِهًا فَاتَّبِعْ هَوَايَ بَغَيْرِ هُدًى مِنْكَ، وَاجْعَلْ هَوَايَ تَبَعًا لِطَاعَتِكَ، وَخُذْ رِضَا نَفْسِكَ مِنْ نَفْسِي، وَاهْدِنِي لِمَا اخْتَلَفَ فِيهِ مِنَ الْحَقِّ يَا ذَنبَكَ، إِنَّكَ تَهْدِي مَنْ تَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

قَالَ أَبُو إِبْرَاهِيمَ: فَمَا أَعْجَبَنِي إِلَّا أَنِّي رَأَيْتُ الشَّابَّ بَعْدَ أَشْهُرٍ فِي جَمَاعَةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، فَقُلْتُ لَهُ: أَتَعْرِفُنِي؟ قَالَ: نَعَمْ، أَنْتَ الَّذِي كُنْتُ مَعَ الْمَنْصُورِ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ عَلَّمَنِي دُعَاءَ الْمُنِيبِينَ! قُلْتُ: نَعَمْ، وَمَا هَذَا لِهَذَا؟ قَالَ: هَدَانِي اللَّهُ بِذَلِكَ الدُّعَاءِ! كُنْتُ يَوْمًا فِي الْمَسْجِدِ أَدْعُو بِهِ، فَسَمِعْتُ رَجُلَيْنِ مِنْ وَرَائِي يَخْتَصِمَانِ، فَيَقُولُ أَحَدُهُمَا لِلْآخَرِ: مَا أَنْصَفَ النَّاسُ! جَاءَهُمْ رَجُلٌ دَعَاهُمْ إِلَى

مُحَمَّدُ عَمَرَ فَأَجَابُوهُ، ثُمَّ جَاءَهُمْ رَجُلٌ دَعَاهُمْ إِلَى أَبِي بَكْرٍ الْبَغْدَادِيِّ فَأَجَابُوهُ، ثُمَّ جَاءَهُمْ رَجُلٌ دَعَاهُمْ إِلَى الْمُهَدِّيِّ فَلَمْ يُجِيبُوهُ! لَا وَاللَّهِ مَا كَانَ ذَلِكَ بِإِنْصَافٍ! فَأَرْتَعَدْتُ فَرَأَيْتُ، فَأَقْبَلْتُ عَلَيْهِ وَقُلْتُ: مَنْ ذَا الَّذِي دَعَا النَّاسَ إِلَى الْمُهَدِّيِّ فَلَمْ يُجِيبُوهُ؟! قَالَ: رَجُلٌ خُرَاسَانِيٌّ يُقَالُ لَهُ الْمَنْصُورُ! قُلْتُ: وَأَيْنَ يُوجَدُ هَذَا الرَّجُلُ؟ قَالَ: لَا أَدْرِي، وَلَكِنْ هُنَا رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِهِ يَدُلُّكَ عَلَيْهِ إِنْ وَجَدَ فِيكَ خَيْرًا، فَلَقِيْتُهُ فَدَلَّنِي عَلَى الْمَنْصُورِ، فَعَلِمْتُ أَنَّهُ هُوَ الَّذِي عَلَّمَنِي دُعَاءَ الْمُنِيبِينَ فَأَجَابَهُ اللَّهُ تَعَالَى!

ترجمه‌ی گفتار:

ابو ابراهیم سمرقندی ما را خبر داد، گفت: به همراه منصور هاشمی خراسانی بودم، پس به مسجدی درآمد تا در آن نماز بگزارد، پس جوانی را دید که در گوشه‌ای می‌گرید و اشک‌هایش بر گونه‌هایش سرازیر است، پس نزدیک او ایستاد و فرمود: چه چیزی تو را می‌گریاند ای بنده‌ی خدا؟! اگر بر دنیا گریه می‌کنی، هرآینه آن از بین خواهد رفت، چه گریه کنی و چه گریه نکنی و اگر برای آخرت می‌گریی، هرآینه آن خواهد آمد چه گریه کنی و چه گریه نکنی! جوان گفت: برای حیرت خود در دینم گریه می‌کنم! پرچم‌هایی (در هر طرف) بلند شده است و من نمی‌دانم کدام از کدام است، پس می‌ترسم که حقّی را انکار کنم یا باطلی را تصدیق نمایم و از گمراهان باشم! منصور فرمود: «بی‌گمان خداوند هر کس را که بخواهد گمراه می‌کند و هر کس که انابه کند را به سوی خود هدایت می‌فرماید»، پس چه چیزی تو را از دعای انابه‌کنندگان باز می‌دارد؟ گفت: دعای انابه‌کنندگان کدام است؟ فرمود: به دنبال هر نماز بگو:

«خدایا! من را به بهترین طریقه رهسپار فرما و چنانم قرار ده که بر کیش تو بمیرم و زندگی کنم و من را چون امور بر من مشکل می‌شود به درست‌ترین آن‌ها و چون کارها بر من مشتبّه می‌شود به پاکیزه‌ترین آن‌ها و چون آیین‌ها با یکدیگر تناقض می‌یابند به پسندیده‌ترین آن‌ها موفق کن و بر محمّد و آل محمّد درود فرست و حقّ را به من حق بنما تا از آن پیروی کنم و باطل را باطل (نشانم بده) تا از آن دوری کنم و آن را بر من متشابه قرار نده که از خواهش خودم بدون هدایتی از تو پیروی کنم و خواهش من را تابع طاعت خودت قرار بده و رضای خودت را از نفس من بگیر و من را با اذن خودت به چیزی از حق که درباره‌ی آن اختلاف شده است هدایت فرما؛ چراکه تو هر کس را بخواهی به راه راست هدایت می‌فرمایی!».»

ابو ابراهیم گفت: پس من را شگفت‌زده نکرد مگر آنکه این جوان را چند ماه بعد در میان گروهی از یارانمان دیدم، پس به او گفتم: آیا من را می‌شناسی؟ گفت: آری، تو همان هستی که به همراه منصور در مسجد بودی هنگامی که دعای منیبین را به من تعلیم داد! گفتم: آری، چه چیزی تو را به این هدایت کرد؟ گفت: خداوند من را با آن دعا هدایت کرد! روزی در مسجد نشسته بودم و

آن دعا را می خواندم، پس شنیدم که دو مرد در پشت سرم با یکدیگر گفتگو می کنند، پس یکی به دیگری می گوید: مردم انصاف ندادند! مردی به نزدشان آمد و آنان را به سوی محمد عمر دعوت کرد پس او را اجابت کردند، سپس مردی به نزدشان آمد و آنان را به سوی ابو بکر بغدادی دعوت کرد پس او را اجابت کردند، سپس مردی به نزدشان آمد و آنان را به سوی مهدی دعوت کرد، پس او را اجابت نکردند! نه به خدا سوگند این انصاف نبود! پس بدنم به لرزه افتاد و به او رو کردم و گفتم: آن کدام مرد بود که مردم را به سوی مهدی دعوت کرد، پس او را اجابت نکردند؟! گفت: مردی خراسانی که به او منصور می گویند! گفتم: این مرد را کجا می توان یافت؟ گفت: نمی دانم، ولی اینجا مردی از اصحاب او هست که اگر در تو خیری بیابد تو را به او دلالت می کند، پس او را دیدم و او من را به منصور دلالت کرد، پس دریافتم او همان کسی است که دعای منیبین را به من آموخت و خداوند آن را اجابت کرد!



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالى



صفحه توییتر پایگاه

صفحه اینستاگرام پایگاه

صفحه کانال تلگرام پایگاه

صفحه فیسبوک پایگاه

لینک مطلب فوق

* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.